

## تصحیح یک نقل قول از «هنا آرنهت Hanna Arendt»!

همه می دانند که "هنا آرنهت"، از جانب "نیویارک تایمز" برای استماع محاکمه "آیژمن" به اسرائیل اعزام گردیده بود. این "فیلسوف"، نویسنده، "ژورنالیست"، مؤلف کتب و "تیئوریسن" تیزهوش و متفکر بی نظیر قرن بیست، "یهود آلمانی - امریکائی"، از مبارزین سرسخت، ضد فاشیسم و تبعیض نژادی، یک زمان در یک صحبت رادیویی با "یواخیم فیست" (Joachim Fest)، در باره شخص "آیژمن" که اظهار او را در محاکمه، احمقانه خوانده است، به سؤال "یواخیم فیست" جواب داده است. "فیست" حکایت می کند که در جریان محاکمه، "آیژمن" خود ادعا کرده بود که گویا او همیشه نظرات "کانت" را در نظر داشته و گویا از اوامر "اطاعت کرده است". در جواب، "هنا آرنهت" این دلیل "ادولف آیینمن" (Adolf Eichmann) را احمقانه خوانده و بنابر، شناختی که از آثار "ایمانویل کانت" داشته است می گوید: "در نزد کانت هیچکس حق اطاعت را ندارد"

هدف "هنا" این بوده است، که با این عبارت "کانت"، در هیچ جا، چنین هدایتی وجود نداشته است. اما در منابع مختلف، با فرمولبندی های متغییر، درین مورد می نویسند که گویا "هنا آرنهت" (Hannah Arendt) گفته باشد: "هیچ فرد حق ندارد که اطاعت کند".



“  
Keiner hat das Recht zu  
gehorschen.  
Hannah Arendt, 1906 - 1975

Entstelltes Hannah-Arendt-Zitat.

طوری که در سمت راست این تصویر "هنا آرنهت" می بینید، به این عبارت تحریر یافته است: "هیچ کس حق اطاعت ندارد." ("هنا آرنهت"، ۱۹۰۶ - ۱۹۷۵م)، خبرهای "دویچه ویله" در پایان تصویر همین منبع می نویسند که نقل قول "هنا آرنهت" تحریف شده، به نمایش گذاشته شده است.

بار دیگر تأکید می گردد، طوری که همین منبع هم چنان توضیح می دهد که درین مصاحبه، موضوع بر سر حماقت "ادولف آیژمن" بوده است. در سال ۱۹۶۴م نقل قول غلط داشته است، در حالی که به صفت یک شخص هوشیار، مدعی بوده است، که گویا در طول عمر از "هدایات اخلاقی ایمانوئل کانت"، پیروی نموده است. و

بدینترتیب خواسته است، چنین وانمود کند، که از چنین هدایات برای خود مفاهیم مکلفیت را مانند رشته هدایات "اطاعت" از "امر"، ساخته است و از اوامر امر خود اطاعت نموده است.

حال "قاتل ماشین تایپ" نمی تواند استیناف بر یک "امریه قاطع" طلب کند، بدون اینکه برای خود و یا دیگران دروغ بگوید. "اگر عقیده بر آن باشد که انسان با همچو تیره مؤفق بیرون خواهد آمد، یک علامت حماقت را برملا می سازد." به ادامه "هنا آرنهت" مختصراً توضیح می دهد، که «چرا استیناف "آیژمن" با اشاره به "کانت" مضحک است، و چرا بوسیله کمک "کانت" نا ممکن است، تا وجدان و ضمیر خود را با مسؤولیت خود در مقابل یک امر، انبار کند و درین رابطه می گوید: «هیچ انسان حق اطاعت نزد کانت ندارد.» جمله با این محتوا و ترکیب درست است. با تخفیف و یا عمومی ساختن آن، بی مفهوم و فاقد معنی است.



متأسفانه، طوری که نویسنده همین گزارش می نویسند، در شرایط کنونی تحریف های زیادی، به مقاصد تبلیغاتی و یا اعلانات و غیره دیده شده اند. یکی ازین تحریف ها را درین تصویر نشان می دهد که بزبان انگلیسی تحریر یافته است: "هیچ کسی حق ندارد که اطاعت کند."

مشابه با این موضوع، درین روزها، یادی از "مبارزات" مردمان نیم قاره "هند" علیه استعمار کهن انگلیس، و "شیوه" مبارزه "مهاتما گاندی" که دوستان از کلمات "فلسفه عدم خشونت گاندی" نام گرفته اند، شده است. البته درین عنوان هدف این نیست که در باره اشکال مبارزه و "اکشنهای" رهبران سیاسی در نیم قاره هند گزارش تحلیلی پیشکش شود.



(از راست به چپ: "خان عبدالغفار خان"، "مهاتما گاندی" و "جوهر لعل نهری")



(از راست به چپ: "گاندی و نهری")

فقط به آدرس آن دوستانی تذکر داده می شود، که اگر طوری فکر کنند که اگر کدام شخص مورد علاقه آنها، از کدام مشی سیاسی و "اکشن" استفاده کرده باشد که کامیابی منتظره را حاصل ننموده باشد و بعد ذکر آن کلمات و شیوه مبارزه را برای نسل بعدی ممنوعه بشمارند، خود آنان را سبک معرفی خواهند کرد. زیرا ممکن طوری فکر شود که از دید آنها مبدا به "افتخارات" و میراث فرد مورد نظر، صدمه برسد، بدون اینکه بر احتمال تظاهر و یا فریب عامه، مصروف تبلیغ برای "شخص" باشد، با صراحت باید گفت که در قدم اول طوری که همیشه تأکید بعمل آمده است، یک موضعگیری "سیاسی" اگر مؤفقانه و یا نامؤفقانه باشد، با کرامت و عزت شخص اتخاذ کننده، ارتباط ندارد. نسل آینده را هم هیچ کسی نمی تواند، منع سازد که در باره مفاهیمی فکر نکنند، که مبدا برای رهبران آنها، کدام صدمه نرسد و کدام سؤال متوجه دوران سیاسی آنها، نگردد.

مردمان هندوستان و افغانستان و تمام جهان با نام "مهاتما گاندی" آشنا اند. بدون اینکه فعلاً یک تحلیل و مطالعه جامع صورت گیرد، فقط یک معلومات مختصر را از یک منبع که به ارتباط

"زندگینامه جوهر لعل نهری" و "پیوستن" او در سنین جوانی و سالهای قبل از دستیابی به "آزادی هند"، با مهاتما گاندی" منتشر ساخته اند، حکایت می کنیم که در طی سالها، از یک شیوه جنیش عدم اطاعت یا "نافرمانی" مدنی، در تحت عنوان "civil disobedience movement"، پیروی شده است. طراح و مبتکر این شیوه در یک وقفه معین که مؤثریت خود را در هندوستان آنوقت، یعنی در زمان استعمار، نشان داده است، و بنابر همین مشی، "مهاتما گاندی" و دیگر هواداران و همزمان او زندانی شده اند، و گاهی هم با متوقف ساختن این حرکت، از جانب استعمارگران انگلیسی امتیازات چون رهائی زندانیان آنها و قبول خواسته های چند، حاصل می نموده اند. این معلومات مختصر، به امید اینست که پیروان "آیدیالوژی های" مختلف، نباید، چنان احکامی صادر کنند، که گویا دیگر اندیشان حق حرف زدن را نداشته باشند، زیرا ممکن قیر رهبران آنان به لرزه آید.

پایان



برای مطالب دیگر داکتر یوسفی، بالای عکس کلیک کنید